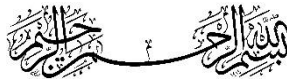


بازخوانی فقهی احکام شهید معرکه  
در پرتو جنگ‌های نوین



مرکز تحقیقات اسلامی مجلس شورای اسلامی  
گروه فقه و حقوق / کارگروه فقه

	عنوان: بازخوانی احکام شهید معرکه در پرتو جنگ‌های نوین
تهیه و تنظیم: حجت‌الاسلام دکتر رضا پورصدقی	شماره ثبت لایحه/طرح: -
ارزیاب علمی: حجت‌الاسلام دکتر مهدی شجریان	شماره ثبت در مرکز: ۰۵-۱۰-۷۶۰
کارشناس مرکز: سید محمدمهدی موسوی	تاریخ انتشار: بهار ۱۴۰۵



# بازخوانی فقهی احکام شهید معرکه در پرتو جنگ‌های نوین

مرکز تحقیقات اسلامی مجلس شورای اسلامی

گروه فقه و حقوق / کارگروه فقه

بهار ۱۴۰۵



## فهرست

خلاصه مدیریتی.....	۷
مقدمه.....	۹
۱. اطلاق شهید در روایات اسلامی بر غیرشهادی در معرکه.....	۱۱
۲. احکام خاص شهادی معرکه.....	۱۴
۲.۱. برپایی جنگ به فرمان ولی خدا.....	۱۴
۲.۲. کشته شدن در راه خدا (فی سبیل الله).....	۱۹
۲.۳. رزمنده بودن.....	۱۹
۲.۴. کشته شدن در معرکه.....	۲۳
۲.۴.۱. مفهوم شناسی معرکه.....	۲۳
۲.۴.۲. مصادیق امروزی معرکه.....	۲۵

۲۷.....	۲.۴.۳. حضور و شهادت در معرکه
۳۱.....	۲.۵. رمق نداشتن هنگان یافتن شخص
۳۹.....	جمع‌بندی
۴۱.....	توصیه‌های سیاستی
۴۲.....	منابع

## خلاصه مدیریتی

**بیان مسئله:** با تحول ماهیت جنگ‌ها در عصر حاضر (حملات موشکی، هوایی، نبردهای نامتقارن و جنگ شهری)، تطبیق شرایط فقهی «شهید معرکه» که مشمول احکام خاص (سقوط غسل و کفن) می‌شود، با چالش‌های جدیدی مواجه شده است. تعیین مصادیق «معرکه»، «رزمنده»، «کشته شدن در حین نبرد» و «فاقد رمق بودن» در این فضای پیچیده، نیازمند واکاوی و بازخوانی فقهی است.

**اهمیت و هدف:** این پژوهش با هدف ارائه چارچوب فقهی برای تعیین مصادیق «شهید معرکه» در شرایط جنگ نوین انجام شده است. دستیابی به این چارچوب، برای قانون‌گذاری، تدوین دستورالعمل‌های اجرایی برای نیروهای مسلح و نهادهای مرتبط با امور شهدا و همچنین عمل به تکلیف شرعی در قبال پیکر مطهر شهدا امری ضروری است.

**ساختار:** پژوهش پس از تبیین کلیات، به تفصیل پنج شرط اساسی برای تحقق شهید معرکه (مشروعیت جنگ، کشته شدن در راه خدا، رزمنده بودن، کشته شدن در معرکه، و فاقد رمق بودن هنگام یافت شدن) را بررسی کرده است. در ادامه، با تمرکز بر دو شرط کلیدی «معرکه» و «کشته شدن در آن»، به مفهوم‌شناسی و مصادیق امروزی معرکه در پرتو جنگ‌های مدرن پرداخته و دیدگاه‌های فقهای معاصر را تحلیل نموده است.

**یافته‌ها:** یافته‌ها نشان می‌دهد مشروعیت جنگ برای صدق عنوان کافی است و اذن مستقیم امام شرط نیست. «معرکه» صرفاً به خط مقدم خاکی محدود نبوده و شامل هر عرصه‌ای (هوایی، دریایی، سایبری) می‌شود که درگیری مستقیم و فعال با دشمن در آن در جریان است. پادگان‌ها یا مناطق نظامی که در حال نبرد فعال نیستند و صرفاً مورد حمله غافلگیرانه قرار می‌گیرند، مشمول معرکه نیستند. نیروهای امداد و پشتیبانی که در منطقه درگیری حاضرند، شهید معرکه محسوب می‌شوند.

**توصیه‌های سیاستی:** ۱. بازتعریف مفهوم «معرکه» در قوانین متناسب با جنگ‌های نوین؛ ۲. تدوین دستورالعمل اجرایی شفاف برای تشخیص مصادیق توسط مراجع ذی‌ربط؛ ۳. تمایزگذاری بین «شهید فقهی (معرکه)» و «شهید شرعی» در گفتمان و قوانین به منظور حفظ حرمت همه شهیدان.

## مقدمه

شهادت در راه خدا، والاترین مقامی است که یک مؤمن می‌تواند به آن نائل آید. در فقه امامیه، علاوه بر جایگاه رفیع معنوی، برای «شهید معرکه» (کشته‌شده در میدان نبرد) احکام ویژه‌ای در نظر گرفته شده که مهم‌ترین آنها سقوط وجوب غسل و کفن است. این احکام خاص، ریشه در سنت پیامبر اکرم (ص) و ائمه اطهار (ع) دارد و در متون فقهی مقرون با شرایطی نظیر قتل در میدان نبرد و کشته شدن در راه خدا تبیین شده است.

در ادوار گذشته که جنگ‌ها عمدتاً در قالب نبردهای رودرو و در محدوده جغرافیایی مشخصی رخ می‌داد، تطبیق این شرایط بر مصادیق عینی از وضوح نسبی برخوردار بود. اما تحولات شگرف در عرصه جنگ‌افزارها و استراتژی‌های نظامی در عصر حاضر، این وضوح را با ابهامات جدی مواجه ساخته است.

امروزه، جنگ‌ها شکلی پیچیده، نامتقارن و گسترده به خود گرفته‌اند. حملات موشکی و هوایی از فواصل دور، نبردهای سایبری، درگیری‌های نامنظم و جنگ شهری، تعریف مرزهای سنتی «خط مقدم» و «معرکه» را دگرگون کرده است. در چنین شرایطی، پرسش‌های فقهی نوظهور و مهمی مطرح می‌شود: آیا خلبان شهید در عمق آسمان دشمن، یا تکاور عملیات ویژه در پشت خطوط، مشمول تعریف «کشته‌شده در معرکه» است؟ حکم پرسنل پدافندی که در پایگاه‌های داخلی مورد هدف قرار می‌گیرند چیست؟ وضعیت امدادگرانی که در مناطق بمباران‌شده شهری به شهادت می‌رسند چگونه است؟ پاسخ به این پرسش‌ها جهت اجرای صحیح احکام شرعی نسبت به پیکرهای مطهر شهدا ضرورت دارد.

فقدان چارچوبی روشن می‌تواند به سردرگمی مجریان، ایجاد ناهماهنگی در عمل و حتی بروز خطا در انجام تکلیف شرعی منجر شود. بنابراین، بازخوانی و تطبیق فقهی این مبانی با واقعیت‌های جنگ نوین، امری ضروری است.

این گزارش در پی آن است تا با اتکا به روش فقه استدلالی و با رجوع به منابع معتبر روایی و فقهی، چارچوبی نظام‌مند برای تطبیق شرایط «شهید معرکه» بر مصادیق جنگ‌های معاصر ارائه دهد. هدف اصلی، تبیین حدود و ثغور مفاهیم کلیدی مانند «معرکه»، «رزمنده» و «کشته شدن در حین نبرد» در پرتو دگرگونی‌های نظامی عصر حاضر است. در این مسیر، مقاله به نقد و بررسی آرای فقهای گذشته و معاصر پرداخته و تلاش می‌کند با حفظ اصالت مبانی فقهی، پاسخ‌های اجتهادی مناسبی برای چالش‌های جدید پیش‌رو ارائه کند. خروجی این پژوهش می‌تواند مبنای علمی مناسبی برای قانون‌گذاران، ستادهای کل نیروهای مسلح و مراجع ذیصلاح در جهت تدوین قوانین و دستورالعمل‌های شفاف و کارآمد قرار گیرد.

برای دستیابی به اهداف فوق، این مقاله در ساختاری منسجم سازمان‌دهی شده است. پس از این مقدمه، اطلاق شهید در روایات اسلامی بر غیرمقتول در معرکه مورد بررسی قرار می‌گیرد. در بخش اصلی، مقاله به تفصیل پنج شرط اساسی تحقق شهید معرکه می‌پردازد و ضمن بیان ادله و دیدگاه‌های مختلف، به تحلیل هر شرط می‌پردازد. در نهایت، پس از جمع‌بندی یافته‌ها، توصیه‌های سیاستی عملیاتی برای حل چالش‌های پیش‌رو ارائه خواهد شد.

## ۱. اطلاق شهید در روایات اسلامی بر غیر شهدای در معرکه

بررسی روایات نشان می‌دهد که واژه شهید دایره‌ای وسیع دارد و بر بسیاری از افراد غیر از شهدای در معرکه نیز اطلاق شده است. در ادامه برخی از این روایات را از نظر می‌گذاریم.

برخی اصحاب در حضور پیامبر خدا (ص) گفتند: «در کار عبدالله بن رواحه تعجب است! او در موقعیت‌های مختلفی نزدیک به شهادت شد اما روزی او نشد تا اینکه در بستر از دنیا رفت!» حضرت فرمودند: «او از شهدای امت من است!» گفتند: «مگر نه این است که شهید به معنای کسی است که در راه خدا و در مقابله با دشمن در حالی که پا به فرار نگذاشته است، کشته شود؟» حضرت فرمودند: «اگر اینگونه بود، شهیدان امت من اندک می‌شدند. شهید اقسامی دارد: الَّذِي ذَكَرْتُمْ وَالطَّعِينُ وَالْمَبْتُونُ وَصَاحِبُ الْهَدْمِ وَالْغَرِيقُ وَالْمَرَأَةُ تَمُوتُ جَمْعًا؛ شهیدی که گفتید (مقتول در معرکه)، کسی که بر اثر ضربه یا بیماری شکم بمیرد، کسی که زیر آوار بمیرد، کسی که غرق شود و زنی که به همراه فرزند درون شکمش بمیرد».<sup>۱</sup>

در روایات اصول کافی کشته شدن در مقابله با ظالم برای حفظ مال و عیال نیز شهادت محسوب شده است.<sup>۲</sup> در برخی دیگر از روایات مرگ بر اثر طاعون، غرق شدن و سوختن نیز شهادت شمرده شده است.<sup>۳</sup>

۱. دعائم الإسلام، ج ۱، ص ۲۲۶.

۲. الکافی (ط - الإسلامية)، ج ۵، ص ۵۳.

۳. مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ج ۲، ص ۱۶۳.

در تفسیر این روایت، دو دیدگاه از فقیهان وجود دارد:

دیدگاه اول این روایات را به معنای برابری یا نزدیک بودن فضیلت چنین مرگ‌هایی با شهادت محسوب می‌کند.<sup>۱</sup> مطابق این دیدگاه اطلاق شهادت بر چنین مرگ‌هایی بر تنزیل ثواب حمل می‌شود،<sup>۲</sup> که نوعی مجاز است؛ یعنی این افراد حقیقتاً شهید نیستند، اما به دلیل آنکه اجری نزدیک شهیدان در سرای آخرت نصیب آنان می‌شود، به قرینه مشابهت و مقاربت، مجازاً شهید شمرده شده‌اند.

اما دیدگاه دوم اطلاق شهید بر این افراد را، استعمالی حقیقی می‌شمارد. بر اساس این دیدگاه لسان اکثر این روایات ناظر به «شهید» است، نه «مقتول فی سبیل الله». این در حالی است که موضوع احکامی فقهی تغسیل و تکفین، دومی است نه اولی. در نتیجه می‌توان بدون تکلف مجاز این افراد را شهید دانست، بدون اینکه موضوع احکام فقهی خاص، به این افراد تسری یابد.<sup>۳</sup>

در هر صورت آنچه مسلم است این است که فضائل شهادت، اختصاص به مقتول در معرکه ندارد بلکه مطابق روایات فوق، شامل برخی از مرگ‌های دیگر نیز می‌شود. در نتیجه به طرق اولی این فضیلت‌ها شامل افرادی که در شرایط جنگی، بر اساس حمله دشمن اما بیرون از میدان جنگ کشته می‌شوند نیز خواهد شد.

۱. ذکرى الشيعة في أحكام الشريعة، ج ۱، ص ۳۲۳.

۲. مستمسك العروة الوثقى، ج ۴، ص ۱۱۰.

۳. مدارك العروة (للإشتهاردی)، ج ۶، ص ۳۱۴-۳۱۵.

این جستار به هیچ وجه در مقام کاستن از جایگاه معنوی شهادت این افراد نیست، بلکه تنها در صدد تبیین دقیق قیود و شرایط فقهی است، که موجب سقوط حکم و جوب تغسیل و نماز میت برای برخی از شهیدان می‌شود. یعنی هر چند فصیلت اخروی شهادت اختصاصی به مقتول در معرکه ندارد، اما احکام فقهی خاص آن مختص به افرادی خاص است و این دو حوزه باید از یکدیگر تفکیک شوند.

## ۲. احکام خاص شهدای معرکه

شرایط خاصی که در فقه برای عروض احکام خاص شهدا - بی‌نیازی از غسل و کفن - تعیین شده، را در ۵ عنصر باید جستجو کرد: ۱. جنگ به فرمان ولی خدا؛ ۲. کشته شدن در راه خدا؛ ۳. رزمنده بودن؛ ۴. کشته شدن در معرکه و ۵. اینکه وقتی که او را می‌یابند فاقد رمق باشد. در ادامه تفصیل این شرایط بیان می‌شوند.

### ۲.۱. برپایی جنگ به فرمان ولی خدا

آیا بر کسی که در عصر غیبت یا در زمان حضور و عدم امکان اذن گرفتن از معصوم (ع) در جهاد دفاعی (دفاع از اسلام و مسلمانان) کشته شده، احکام شهید بار می‌شود یا نه؟ این مسئله اختلافی است.

الف. گروهی از فقها در شمول احکام خاص شهید بر معرکه‌ای که به اذن امام یا نائب خاص او بر پا نشده است، تردید دارند و یا به صورت جزمی بر چنین قیدی معتقدند.<sup>۱</sup> بر این اساس، شهید کسی است که در جنگی شرکت جوید که نبی یا ولی و جانشینان او و یا نائبان خاص آن دو، به شرکت در آن فرمان داده باشند.<sup>۲</sup>

۱. کشف اللثام و الإبهام عن قواعد الأحكام، ج ۲، ص ۲۲۷؛ ریاض المسائل (ط - الحدیثة)، ج ۱، ص ۴۵۶؛ المبسوط،

ج ۱، ص ۱۸۱.

۲. ریاض المسائل، ج ۱، ص ۴۵۶؛ الشهد و هو المسلم و من بحکمه المیت بمعرکه قتال أمر به النبی صلی الله علیه و آله أو الإمام علیه السلام كما عن المقنعة و المراسم و الشرائع، أو نائبهما كما عن المبسوط و النهایة و السرائر و المهذب و الوسيلة و الجامع و المنتهی.

برای مثال مرحوم محقق حلی نوشته است: «الشهید الذی قتل بین یدی الإمام و مات فی المعرکه لا یغسل و لا یکفن و یصلی علیه».<sup>۱</sup> در این عبارت، شهید مقید به قید قتل بین یدی الامام شده است؛ یعنی جنگی که حضرت در آن حضور دارد.

به اعتقاد شهید ثانی اگر جهاد در زمان غیبت یا حضور امام و بدون دستور او یا نایب خاصش جایز باشد - همان‌گونه که اگر دشمنی ناگهان بر مسلمانان بتازد که ترس از خطر برای اسلام وجود داشته باشد و ناچار به جهاد بدون امام یا نایب او شوند - در این صورت، کشته‌شدگان در چنین شرایطی، از نظر احکام شرعی شهید محسوب نمی‌شوند، اگرچه در فضیلت و پاداش با شهید شریک هستند.<sup>۲</sup> در این عبارت شهید ثانی به صورت صریح، مجرد مشروع بودن نبرد را برای صدق شهادت کشته‌شدگان کافی نمی‌داند و اذن امام یا نایب او را در صدق عنوان شهید دخیل دانسته است. دلیل تزییق عنوان «شهید» از سوی این بزرگان ابهام در صدق عنوان شهید و عدم جواز در تمسک به عام در شبهه مفهومیه آن است.

۱. شرائع الإسلام، ج ۱، ص ۲۹.

۲. «ولو كان الجهاد سائغا في حال الغيبة أو الحضور مع عدم الأمر منه أو من نائبه الخاص - كما لو دهم على المسلمين من يخاف منه على الإسلام فاضطروا إلى جهاده بدون الإمام أو نائبه - فإن المقتول حينئذ لا يعد شهيدا بالنسبة إلى الأحكام، و إن شارك الشهيد في الفضيلة.» (مسالك الأفهام، ج ۱، ص ۸۲).

ب. بسیاری از فقها مانند محقق حلی،<sup>۱</sup> شهید اول،<sup>۲</sup> محقق ثانی<sup>۳</sup> و صاحب جواهر<sup>۴</sup> قائل به اطلاق شده و مشروع بودن جنگ را برای تطبیق احکام خاص شهید کافی می‌دانند.<sup>۵</sup> دلیل این توسعه اطلاق روایاتی است که هر کشته در راه خدایی را بدون اینکه معرکه در آن مقید به اذن امام شده باشد موضوع احکام خاص قرار داده است.<sup>۶</sup> صحت و سقم این دیدگاه نیازمند بررسی روایات موجود است:

روایت اول: «سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ: الَّذِي يَقْتُلُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ يَدْفَنُ فِي ثِيَابِهِ وَلَا يَغْسَلُ - إِلَّا أَنْ يَدْرَكَهُ الْمُسْلِمُونَ وَبِهِ رَمَقٌ ثُمَّ يَمُوتُ بَعْدَ - فَإِنَّهُ يَغْسَلُ وَيُكْفَنُ وَ يَحْتَضُّ - إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ كَفَنَ حَمْرَةَ فِي ثِيَابِهِ وَلَمْ يَغْسَلْهُ - وَلَكِنَّهُ صَلَّى عَلَيْهِ؛ از امام صادق (علیه السلام) شنیدم که فرمود: کسی که در راه خدا کشته می‌شود، با لباس هایش دفن می‌شود و غسل نمی‌شود - مگر اینکه مسلمانان او را درحالی که هنوز نفسی از او باقی است، فراگیرند و سپس بمیرد - که در این صورت غسل داده، کفن و حنوط می‌شود - رسول خدا صلی الله علیه و آله حمزه را با لباس هایش کفن کرد و او را غسل نداد - و اما بر ایشان نماز خواندند».<sup>۷</sup>

۱. المعتمر، ج ۱، ص ۳۱۱.

۲. الدرر الشریعی، ج ۱، ص ۱۰۵.

۳. جامع المقاصد، ج ۱، ص ۳۶۵.

۴. جواهر الکلام، ج ۴، ص ۸۸.

۵. الحدائق الناضرة فی أحكام العترة الطاهرة، ج ۳، ص ۴۱۵؛ مصباح الفقیه، ج ۵، ص ۱۱۵.

۶. کتاب الطهارة (للکلبایگانی)، ص ۲۰۳.

۷. الکافی (ط - الإسلامية)، ج ۳، ص ۲۱۲.

تقریب: با اینکه شاهد کلام امام صادق (علیه السلام)، نحوه مواجهه نبی گرامی اسلام در جنگ احد است و حتماً به اذن ایشان بوده، اما کبرایی که در صدر این روایت ایشان فرموده است «الَّذِي يَقْتُلُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ يَدْفَنُ فِي ثِيَابِهِ وَ لَا يَغْسَلُ» دارای اطلاق است و مقید به حضور یا اذن امام نشده است.<sup>۱</sup>

روایت دوم: عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ يَحْيَى عَنْ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مَعْبُدٍ عَنْ عبيدالله بن الدهقان عن أبي خالد قال: «اغسل كلَّ الموتي الغريق و أكيل السبع و كلَّ شيءٍ إلَّا ما قُتِلَ ما بين الصَّغِيرِ فَإِنْ كَانَ بِهِ رَمَقٌ غُسِلَ وَ إِلَّا فَلَا؛ تمام مردگان، غرق‌شدگان، کسانی که توسط حیوان درنده خورده شده‌اند و هر چیزی را غسل بده جز آنکه بین دو صف کشته شده که اگر هنوز نفسی برایش باقی مانده باشد، غسل داده می‌شود و در غیر این صورت غسل داده نمی‌شود».<sup>۲</sup>

سند این روایت به علت ضعف عبيدالله بن دهقان دارای اشکال است و اما اشکال مضمرة بودن روایت قابل پاسخ است در هر صورت اصحاب به آن فتوا داده‌اند و ضعف آن جبران می‌شود.<sup>۳</sup>

۱. لإطلاق الشهيد في المعبرة و الحسن: «الَّذِي يَقْتُلُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ يَدْفَنُ بِثِيَابِهِ وَ لَا يَغْسَلُ» (رياض المسائل، ج ۱، ص ۴۵۶).

۲. تهذيب الأحكام، ج ۱، ص ۳۳۰.

۳. دلّ عليه مضافاً إلى ظاهر معاهد الإجماعات: - أن ذلك هو الظاهر من مضمرة أبي خالد المتقدمة «۲»، و ضعفها منجر بما عرفت من الشهرة، بل حكاية الاتفاق على هذا التقييد، (كتاب الطهارة (للشيخ الأنصاري)، ج ۴، ص ۴۰۲).

در این روایت مطلق کسی که در بین جنگ جبهه حق و باطل کشته می‌شود، شهید قلمداد شده است، بدون اینکه آن جنگ به حضور یا اذن امام مقید شده باشد. البته اینکه جنگ مشروط به جواز شرعی است امر روشنی است؛ چرا که کشته‌شدگان فی سبیل الله در جنگ غیر مشروع صادق نیست.

روایت سوم: فقهُ الرِّضَا (ع): «إِنْ كَانَ الْمَيِّتُ قَتِيلَ الْمَعْرَكَةِ فِي طَاعَةِ اللَّهِ لَمْ يَغْسَلْ وَ دُفِنَ فِي ثِيَابِهِ الَّتِي قُتِلَ فِيهَا بَدْمَانَهُ وَ لَا يَنْزَعُ مِنْهُ مِنْ ثِيَابِهِ شَيْءٌ إِلَّا أَنَّهُ لَا يَتْرَكَ عَلَيْهِ شَيْءٌ مَعْقُودٌ وَ تُحَلُّ تَكْتُهُ وَ مِثْلُ الْمَنْطَقَةِ وَ الْفَرَوِ وَ إِنْ أَصَابَهُ شَيْءٌ مِنْ دَمِهِ لَمْ يَنْزَعْ عَنْهُ شَيْءٌ إِلَّا أَنَّهُ يَحِلُّ الْمَعْقُودُ وَ لَمْ يَغْسَلْ إِلَّا أَنْ يَكُونَ بِهِ رَمَقٌ ثُمَّ يَمُوتُ بَعْدَ ذَلِكَ فَإِذَا مَاتَ بَعْدَ ذَلِكَ غُسِّلَ كَمَا يَغْسَلُ الْمَيِّتُ وَ كَفَّنَ كَمَا يَكْفَنُ الْمَيِّتُ وَ لَا يَتْرَكَ عَلَيْهِ شَيْءٌ مِنْ ثِيَابِهِ؛ أَوْ إِنْ مَاتَ فِي جَنْجٍ وَ فِي مَعْرَكَةٍ أَوْ فِي طَاعَةِ خِدَاوَنَدٍ اسْتِ، غَسَلَ دَادَهُ نَمِي شُود وَ بَا لِبَاسِ هَائِي كِه دَر آنْهَا كَشْتِه شُدِه وَ خُونَش بَر آنْهَا جَارِي اسْتِ، دَفِن مِي شُود. چيزي از لباس هایش از او جدا نمی‌شود، مگر اینکه چیزی که بسته شده شل شود، همان‌طور که در مورد کمر بند و پوستین چنین است. اگر ذره‌ای از خونش به او برسد، چیزی از او برداشته نمی‌شود جز اینکه چیزی که بسته شده شل شود و غسل داده نمی‌شود، مگر اینکه هنوز رمقی (توان بقاء) برایش باقی مانده باشد و پس از آن بمیرد، که در این صورت مانند میت‌های دیگر غسل داده می‌شود، و مانند میت‌های دیگر کفن می‌شود، و چیزی از لباسش بر او باقی نمی‌ماند»<sup>۱</sup>.

در این روایت نیز جریان احکام خاص شهید مقید به اذن امام نیست. البته این روایت سند محکمی نداشته و صرفاً در حد تأیید نظریه قابل استناد است.

از منظر مشهور فقها از جمله صاحب جواهر<sup>۱</sup>، صاحب عروه<sup>۲</sup> و حضرت امام (ره)<sup>۳</sup> برای تطبیق احکام خاص شهید بر کشتگان جنگ، مهم این است که جهاد به حق باشد، خواه جنگ و جهاد به فرمان امام یا نایب خاص او باشد یا نباشد.<sup>۴</sup>

## ۲، ۲. کشته شدن در راه خدا (فی سبیل الله)

کسی که حسن فاعلی نداشته و در نبرد با دشمن نیت دفاع از مسیر حق و حقیقت ندارد، بدون تردید حکم شهید نخواهد داشت؛ اما این فرض در صورتی قابل تحقق است که بتوان به واقع راه یافت؛ وگرنه باید بر اساس ظاهر حکم نمود.

دلیل بر این قید روایاتی است که در آن قید فی سبیل الله ذکر شده که پیش از این بیان شد.

## ۲، ۳. رزمنده بودن

یکی از ویژگی‌هایی که ممکن است برای تطبیق احکام خاص شهید ضروری باشد، رزمنده بودن فردی است که در میدان نبرد جان خود را ازدست داده است. باین حال، بسیاری از فقها با این نظر مخالفت کرده‌اند و حتی کودکان و افرادی که دچار اختلال عقلی بوده و در میدان جنگ کشته شده‌اند را نیز در شمار شهدای معرکه محسوب نموده‌اند.<sup>۵</sup>

۱. جواهر الکلام، ج ۴، ص ۸۷.

۲. العروه الوثقی، ج ۲، ص ۳۹.

۳. تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۵۹.

۴. المعتمر، ج ۱، ص ۳۱۱؛ الحدائق، ج ۳، ص ۱۵؛ مصباح الفقیه، ج ۵، ص ۱۱۵.

۵. برای نمونه ر.ک: نائینی، امام خمینی، مکارم شیرازی، آغاء ضیا عراقی، در ضمن العروه الوثقی (المحشی)، ج ۲،

ص ۳۹، مهذب الأحکام (للسبزواری)، ج ۳، ص ۴۴۰.

شیخ انصاری در ابتدا به عدم شرطیت رزمنده بودن و شهید محسوب شدن کودکان و مجانین میل دارد؛ زیرا اولاً برخی روایات اشاره می‌کنند در میان کشته‌شدگان جنگ بدر و احد، **بعضی کودکان** بودند و آنها نیز غسل داده نشدند و ثانیاً واقعه طفل شیرخوار حضرت سیدالشهداء (علیه السلام) که مشهور است و نقل نشده که آن حضرت برای او تیمم کرده باشند (که نشان می‌دهد غسل داده نشده) شاهد این مدعا است که دلیل خوبی شناخته شده است. با این همه شیخ در این دیدگاه تردید کرده و تنها کودکان و مجانینی را که در میدان نبرد برای یاری رزمنده‌گان به کارگیری شده‌اند را جزو شهدا محسوب می‌کند. استدلال وی این است که ظاهر روایاتی که می‌گوید: «المقتول فی سبیل الله» این مفهوم را مختص به کسی می‌داند که جهاد در حق او راجح باشد یا از او در میدان جهاد استفاده شود؛ همان‌گونه که اگر دفع دشمن متوقف بر کمک گرفتن از کودکان و مجانین باشد.<sup>۱</sup> در واقع مرحوم شیخ در صدق عنوان مقتول فی سبیل الله بر اشخاصی که به صورت اتفاقی در معرکه حاضر بوده و کشته شده‌اند تردید دارد و بر همین اساس کشته‌شدگان باید جزو افرادی باشند که در پیکار با دشمن دخیل‌اند و کمک می‌کنند.

مرحوم آقای خوئی استدلال مرحوم شیخ را مناسب می‌داند ولی در نهایت با تمسک به اطلاق روایات مذکور که مطلق قتل فی سبیل الله را موضوع احکام شهید قرار داده و در کودکان و زنان و هر کسی که در معرکه کشته شده عنوان مقتول فی سبیل الله صادق است، نظر اول را ترجیح داده است.<sup>۲</sup>

۱. کتاب الطهارة (للشیخ الأنصاری)، ج ۴، ص ۴۰۳.

۲. موسوعة الإمام الخوئی، ج ۸، ص ۳۷۸.

این ایراد چنین پاسخ داده می‌شود که؛

اولاً روایات دیگری که در مسئله مورد اشاره قرار گرفتند منصرف به رزمندگان هستند. برای نمونه تعبیر مضمهره اَبی خالد: «إِلا ما قتل بين الصّفين؛ کشته‌شدگان در بین دو صف» مورد توجه است، که منصرف به افراد دلاوری است که در خط مقدم جبهه بوده و با دشمن درگیر هستند و در میان دو صف دوست و دشمن کشته می‌شوند و چنین عنوانی قطعاً منصرف به رزمندگان است و افراد دیگر به ذهن نمی‌آید.

ثانیاً این احتمال در همین روایت وجود دارد که مراد از «فی سبیل الله» جهاد باشد؛ چراکه در فقه در ابواب مختلفی سبیل الله به جهاد معنا شده است.<sup>۱</sup> طبق این معنا، حضرت، کشته‌شدگان در میدان جهاد را مدنظر قرار داده که در این صورت احتمال انصراف به رزمندگان نیز شکل می‌گیرد و مانند برداشت مرحوم شیخ انصاری صدق این عنوان را در فرض مذکور با تردید مواجه می‌سازد. البته این احتمال از سوی بسیاری مورد نقد قرار گرفته و بر این اساس صرفاً در حد تأیید قابل استناد است.<sup>۲</sup>

۱. «وَفِي سَبِيلِ اللَّهِ وَهُوَ الْجِهَادُ». (النهاية في مجرد الفقه و الفتاوى، ص ۱۸۴؛ مصباح المتعجل، ج ۲، ص ۸۵۷) و ما رواه علی بن ابراهیم فی کتاب التفسیر عن العالم علیه السلام أنه قال: «و فی سبیل الله قوم یخرجون إلی الجهاد و لیس عندهم ما یتقوون به، أو قوم من المؤمنین لیس عندهم ما یحتجون به، و فی جمیع سبیل الخیر» (مدارک الأحکام فی شرح عبادات شرائع الإسلام، ج ۵، ص ۲۳۱).

۲. مرحوم بحرانی می‌نویسد: «من الأصناف المتقدمة سبیل الله، و هل هو الجهاد خاصة أو ما یشمل جمیع القرب و الخیرات و المصالح؟ قولان صرح بالأول الشیخ فی النهایة و الشیخ المفید فی المقنعة و الصدوق فی الفقیه و المشهور الثانی و هو الظاهر من الأدلة» (الحدائق الناضرة فی أحكام العترة الطاهرة، ج ۱۲، ص ۱۹۹).

ثالثاً حتی اگر عبارت «فی سبیل الله» مطلق باشد و موارد غیر جهاد را نیز در بر گیرد باز ادعای فوق قابل طرح است؛ زیرا همان گونه که مرحوم آقای خوئی بر این باور است، دو قرینه داخلی در روایت، موضوع این روایت را منحصر در جنگ و جهاد می کند: اول قید «بِهِ رَمَقٌ ثُمَّ يَمُوتُ» که ظهور در جهاد دارد (چون معمولاً رزمنده‌های میدان جنگ هستند که به فیض شهادت می‌رسند) و دیگری، ذیل روایت که مربوط به مورد تطبیق یعنی شهادت حضرت حمزه (علیه السلام) است.<sup>۱</sup> البته این دلیل نیز کافی برای انصراف نیست و فقط در حد تأیید است.

از توضیحات پیش گفت معلوم شد که یکی از عناصر کلیدی برای تحقق احکام خاص بر شهدا، صرف برپایی جهاد نیست، بلکه باید شهید، مجاهد و رزمنده و شخصی باشد که در صدد کمک به جبهه نبرد است و افرادی که کاملاً به صورت تصادفی و بی‌ربط به نبرد هستند، صدق کشته فی سبیل الله بر آنها با ایهام روبروست. اما امدادگران یا نیروهای تدارکاتی که در معرکه و زمان برپایی جنگ به فیض لقاء الله می‌رسند، گرچه رزمنده نیستند ولی چون در حال کمک به جبهه هستند شهید فقهی محسوب می‌گردند.

در شرط مذکور این سؤال جا دارد که آیا منظور از رزمنده، کسی که در حال پیکار کشته شده یا شامل رزمندگانی که در حال استراحت بوده‌اند و یا به هر دلیلی در لحظه کشته شدن در حال نبرد نبوده‌اند نیز می‌گردد؟ به نظر می‌رسد صدق عنوان المقتول فی سبیل الله بر کسانی که در حال استراحت در میدان جنگ و زمان برپایی جنگ هستند با مانع روبرو نیست و بر همین اساس استراحت کردن متعارف در میدان جنگ مانع صدق شهید فقهی نیست. از کلمات مرحوم امام نیز همین مطلب قابل برداشت است.

حضرت امام (ره) می‌فرمود: «اگر از رزمندگان است و در جبهه به شهادت رسیده غسل و کفن ندارد، هرچند در حال استراحت باشد».<sup>۱</sup> بر این اساس اگر وی رزمنده بوده و در سنگر خود لحظاتی مشغول استراحت باشد قطعاً شهید محسوب می‌گردد؛ ولی اگر برای استراحت، به محل استراحتگاه خاصی منتقل شده که برای این امر اختصاص داده شده و خارج از میدان نبرد است، شهید فقهی صادق نیست.

#### ۲، ۴. کشته شدن در معرکه

یکی از عناصری که برای عروض حکم خاص شهدا در برخی کلمات فقها ذکر شده، «جان‌سپاری در معرکه» است. از این رو این مطلب را در سه جهت دنبال می‌نماییم:

۱. مفهوم شناسی معرکه؛<sup>۲</sup> مصداق شناسی معرکه در زمان معاصر؛ و<sup>۳</sup> شرطِ جان‌سپاری در معرکه.

#### ۲، ۴، ۱. مفهوم شناسی معرکه

واژه «معرکه» در روایت منسوب به امام رضا (ع) مطرح شده است: «انْ كَانَ الْمَيِّتُ قَتِيلَ الْمَعْرَكَةِ فِي طَاعَةِ اللَّهِ لَمْ يُغَسَّلْ»؛<sup>۲</sup> اگر میت قتیل معرکه در طاعت الهی باشد، غسل داده نمی‌شود». شیخ طوسی نیز این واژه را در تهذیب<sup>۳</sup> و استبصار<sup>۴</sup> آورده است. به هر روی فقها به صورت فراوان از میدان نبرد با دشمن با تعبیر «معرکه» یاد کرده‌اند و بر همین اساس موضوع گفتگوی فقهی قرار گرفته است.

۱. استفتاءات (امام خمینی)، ج ۱، ص ۵۰۵.

۲. الفقه المنسوب إلى الإمام الرضا (عليه السلام)، ص ۱۷۴.

۳. تهذیب الأحکام، ج ۱، ص ۳۳۲.

۴. الإستبصار فيما اختلف من الأخبار، ج ۱، ص ۲۱۵.

از جهت مفهوم شناسی باید توجه داشت که «معرکه» می‌تواند اسم زمان یا اسم مکان باشد، در اینجا مراد فقط اسم مکان و به تعبیر دیگر «محل جنگ» نیست بلکه خود واقعه جنگ مراد است که اعم از زمان و مکان جنگ می‌گردد. از عبارت برخی از فقها مانند مرحوم شیخ طوسی<sup>۱</sup> که از زمان برپایی جنگ سخن به میان آورده این نکته به‌خوبی قابل استفاده است. از پاسخ حضرت امام (ره) پیرامون تعیین حدود معرکه نیز این نکته قابل استفاده است: «منظور از معرکه محدوده تیررس دشمن است در حدودی که جنگ است نه مثل شهرهای دور، مگر آنکه محدوده جنگ باشند».<sup>۲</sup> علاوه بر این وقتی از حضرت امام (ره) سؤال شد که اگر در مناطق آزادشده جنگی، به خاطر انفجار مین‌های باقی مانده، رزمنده‌ای که برای خنثی‌سازی رفته است به شهادت برسد، آیا شهید محسوب است؟ ایشان پاسخ داده است: «در فرض مزبور باید غسل و کفن شود هر چند شهید محسوب است ان شاء الله».<sup>۳</sup> در این پاسخ مشخص است که مکان معرکه موضوع نیست بلکه خود معرکه جنگ موضوع حکم است. از پاسخ اول و دوم می‌توان فهمید معرکه هم مکان معرکه و خود معرکه ملاک است. کوتاه‌سخن آنکه کشته شدن در معرکه به این معناست که شخص در زمان برپایی جنگ و در محل جنگ کشته شود.

۱. الخلاف، ج ۱، ص ۷۱۲.

۲. استفتاءات (امام خمینی)، ج ۱، ص ۵۰۴.

۳. همان، ص ۵۰۵.

## ۲، ۴، ۲. مصادیق امروزی معرکه

جنبه دیگر بحث معرکه، ارائه بحث صغروی و شناخت مصادیق «معرکه» در پرتو جنگ‌های نوین است.

تحولات تکنولوژیک و استراتژیک در جنگ‌های معاصر، مفهوم «معرکه» را با ابهامات و چالش‌های جدیدی مواجه ساخته است؛ زیرا در جنگ‌های مدرن، مانند حملات موشکی، توپخانه‌ای، هوایی و حتی سایبری، خط مقدم نبرد به صورت فیزیکی مشخص نیست و ممکن است مناطق وسیعی را در برگیرد. از این رو بین فقها در تعیین وسعت معرکه اختلاف شده است:

الف. برخی مانند حضرت امام (ره) معرکه را خط مقدم جنگ دانسته که دو سپاه با هم رودررو شده‌اند؛ از این رو شهدای موشکی را مصداق شهید با حکم خاص نمی‌دانند.

ب. برخی مانند آیت‌الله مکارم (دام‌ظله) بر این باور هستند که معرکه را باید به نحو «بحسبه» (متناسب با شرایط و زمان) تعریف کرده. بر این اساس، نیروهای رزمده‌ای که در خطوط مقدم دفاعی، مراکز فرماندهی و کنترل یا یگان‌های پدافندی فعال حضور دارند و در اثر اصابت سلاح‌های دشمن کشته می‌شوند، شهید محسوب می‌گردند. بلکه حتی اگر به صورت مستقیم درگیر تیراندازی نباشند، اما حضورشان در معرض خطر مستقیم و در بطن درگیری نظامی باشد، عنوان شهید بر آنان صدق می‌کند. ایشان می‌نویسند: «در جنگ‌های امروز که میدان‌های جنگ وسعت دارد و گاه کیلومترها یا فرسخ‌ها مسافت را در بر می‌گیرد و گلوله‌های دشمن و مانند آن تا مسافت زیادی می‌رسد، تمام این صحنه که مرکز تجمع سربازان است میدان جنگ محسوب می‌شود، ولی اگر دشمن به وسیله بمباران افرادی را دور از جبهه‌های جنگ به قتل برساند، احکام بالا در مورد آنها جاری نیست»<sup>۱</sup>.

۱. رساله توضیح المسائل (مکارم)، ص ۱۱۶.

به نظر می‌رسد که در جنگ‌های نوین کنونی که معمولاً جنگ میان کشورها با جنگنده‌ها، موشک‌ها و پدافندها رخ می‌نماید، حتی اگر مبنای حضرت امام (ره) را بپذیریم که سعه محدود برای معرکه قائل هستند، می‌بایست رزمنده‌های پدافندی و موشکی که به واسطه حمله هوایی دشمن به فیض شهادت می‌رسند را شهید در معرکه دانست؛ زیرا ملاک در تشخیص مصادیق عرف است و با وجود تغییرات ساختاری در جنگ‌ها، عرف کنونی «من قتل بین الصفین»<sup>۱</sup> و معرکه که محل برخورد نیروهای رزمنده خودی و دشمن است را صرفاً به صورت خاکی و زمینی معنا نمی‌کند، بلکه از بعد هوایی و دریایی نیز معرکه را تطبیق می‌نماید. بله مواجهه و درگیری بین دو طرف باید صادق باشد؛ بنابراین در مواردی که به صورت ناگهانی موشکی به مراکز نظامی اصابت می‌کند، بدون اینکه طرفین در حالت مواجهه و رزم باشند، صدق کشته بین دو صف مورد تردید است. در نتیجه نسبت به رزمنده و فرماندهی که در خانه خود یا در پادگان نظامی، که گمان می‌شده مکانی امن است، به فیض شهادت نائل آمده است؛ نمی‌توان عنوان شهید معرکه را تطبیق نمود و از این بیان به‌خوبی روشن است که کشته‌شدگان در بمباران‌های شهری از حکم فقهی شهید خارج‌اند.

بر اساس نکات پیش‌گفته می‌توان چنین نتیجه گرفت که در جنگ‌های امروزی برای صدق معرکه منطقه خاصی مانند مرزها ملاک نیست، بلکه هر مکانی که برای حفاظت از امنیت در مقابل دشمن در نظر گرفته شده و به هنگام نبرد نیروها در حال آفند و پدافند با دشمن‌اند محل نبرد و معرکه بوده و کشته‌شدگان زمان نبرد کشته در معرکه محسوب می‌گردند. ولی افرادی که در خارج از این اماکن بوده و عملاً در مناطق امن هستند و از نبرد با دشمن خارج‌اند مشمول عنوان معرکه نخواهند بود.

۱. اشاره به روایت اَبی خَالِدٍ که پیشتر از آن یاد شد.

بر این اساس کسی که در هواپیمای جنگی یا کشتی جنگی با دشمن در حال نبرد است، در میان معرکه قرار دارد و همچنین کسی که در محل استقرار پدافند است و با دشمن در حال نبرد است نیز در میان معرکه جنگ است. حتی کسانی که به دنبال پهپاد دشمن اعزام شده‌اند و با آن درگیر شده و مورد اصابت قرار گرفته نیز در میان معرکه مورد اصابت قرار گرفته‌اند. ولی پادگان و محل نظامی که در حال نبرد با دشمن نیست و به صورت اتفاقی مورد اصابت قرار گرفته است، همانند کشته‌شدگان شهری، شهید در معرکه محسوب نمی‌گردند.

### ۳، ۴، ۲. حضور و شهادت در معرکه

پس از فراغت از مفهوم شناسی «معرکه»؛ باید بگوییم: بدون تردید بر کسی احکام خاص شهید مترتب می‌شود که در معرکه (محل برگزاری جنگ) حضور داشته باشد و در آن آسیب منتهی به کشته شدن رخ داده باشد؛ اما نسبت به لزوم جان دادن در معرکه و میدان رزم بین فقها اختلاف وجود دارد.

الف. برخی از فقها مانند حضرت امام (ره)<sup>۱</sup> و صاحب جواهر<sup>۲</sup> اصرار دارند که قبض روح باید در معرکه باشد، درحالی که آتش جنگ بر پا باشد<sup>۳</sup> و حتی ادعا شده که این مطلب اجماعی است.<sup>۴</sup> از این رو اگر مجاهدی در معرکه باشد و مجروح شود اما پس از اتمام معرکه و فرونشست آتش جنگ، قبض روح شود و یا به خارج از معرکه منتقل شود و در بیرون معرکه جان سپارد، احکام خاص شهید را نداشته و باید غسل و کفن شود.<sup>۵</sup>

۱. استفتاءات (امام خمینی)، ج ۱، ص ۵۰۵.

۲. جواهر الکلام، ج ۴، ص ۹۰.

۳. برای نمونه: المهدب، ج ۱، ص ۵۴-۵۵، الشرائع، ج ۱، ص ۳۷.

۴. جامع المقاصد، ج ۱، ص ۳۶۵؛ مجمع الفائدة، ج ۱، ص ۲۰۳.

۵. الخلاف، ج ۱، ص ۷۱۲.

حضرت امام (ره) به اتکای این مبنا فتوا داده: «اگر در محدوده تیررس دشمن (جبهه)، در داخل آمبولانس یا در بیرون ماشین جان سپرده، غسل و کفن ساقط است؛ ولی اگر در خارج محدوده مزبور جان بسپارد، غسل و کفن دارد»<sup>۱</sup>.

به اعتقاد آیت‌الله گلپایگانی، اولاً متفاهم عرفی (ارتکاز و فهم متشرعه) از واژه شهید، کسی است که در معرکه جان سپارد؛ ثانیاً اخباری که دلالت می‌کنند بر عدم وجوب غسل و کفن شهید - مانند صحیحہ ابان - در مورد جایی است که فرد در معرکه جان سپارد و ثالثاً با اینکه تمامی اهل بیت شهید از دار دنیا رفته‌اند اما همه آنها توسط امام بعد از خودشان، غسل و کفن شده و سپس جسمشان به خاک سپرده شده است، جز وجود مقدس سیدالشهدا علیه السلام که در معرکه شهید شده‌اند.<sup>۲</sup>

با این همه برخی از باورمندان به این نظریه یک مورد را استثنا کرده‌اند: شخص زخمی که بلافاصله پس از خروج از معرکه قبض روح می‌شود، البته به شرطی که جنگ برپا باشد<sup>۳</sup> و نزدیک به همین مورد، مجروحی است که یکی دو ساعت پس از خروج از میدان جان سپارد.<sup>۴</sup>

۱. استفتاءات (امام خمینی)، ج ۱، ص ۵۰۵.

۲. کتاب الطهارة (للگلپایگانی)، ص ۲۰۳: «أنه لا بدّ من أن يكون تحقّق الشّهادة في المعركة للمفاهم العرفی من لفظ الشهید و لأن ملاحظة جميع أخبار عدم وجوب غسل الشهید يعطى ذلك فإنّ مصبّ كثير منها أو أكثرهما من قتل في سبيل الله في میدان الحرب فلا يشمل من قتل في فراشه بالسمّ مثلاً فلذا غسلوا الأئمة الأطهار ع جميعهم مع أنّ جميعهم كانوا شهداء في سبيل الله نعم ان الحسين و أهل بيته و أصحابه عليهم السلام حيث استشهدوا في المعركة لم يغسلوا و أنّ مولانا أمير المؤمنين صلوات الله و سلامه عليه مع أنّه قتل بالسيف و أطلق عليه في زيارته بالشهيد - غسله الحسن عليه السلام فيظهر من ذلك أنّ الشهيد الذي لا يجب غسله هو الشهيد في المعركة.

۳. العروة الوثقى، ج ۲، ص ۴۰، مع تأییده من قبل جميع المحشّين، مهذب الاحكام، ج ۳، ص ۴۳۳.

۴. الخلاف، ج ۱، ص ۷۱۲؛ المنتهى، ج ۷، ص ۱۸۵.

برای مثال شیخ الطائفه (ره) می‌نویسد: «إذا خرج من المعركة ثم مات بعد ساعة أو ساعتين قبل تقضى الحرب، حكمه حكم الشهيد ... دليلنا: الأخبار العامة فيمن قتل بين الصفين<sup>۱</sup> و هي متناولة له؛ اگر (رزمنده مجروح) از معرکه خارج شود و پس از یک یا دو ساعت، درحالی که جنگ بر پا باشد، جان سپارد؛ حکم شهید را خواهد داشت ... دلیل ما روایات عامی است که کشته شدن بین دو صف را شرط دانسته است؛ زیرا آن ادله شامل این فرد هم می‌شوند».<sup>۲</sup> فقهای بسیاری از قدیم تا به حال همین نظر را اختیار کرده‌اند.<sup>۳</sup>

ب. قول دوم (شهید صدر و آیت‌الله سیستانی): قبض روح در معرکه شرط نیست، بلکه چنان‌که از روایات استفاده می‌شود، ملاک صرفاً عدم وجود رمق پیش از یافتن او توسط مسلمانان است.

۱. اشاره به روایت اَبی خَالِدٍ قَالَ: أَعْسَلُ كُلَّ الْمُؤْتَى الْعَرِيقَ وَ أَكِيلَ السَّبْعِ - وَ كُلَّ شَيْءٍ إِلَّا مَا قُتِلَ بَيْنَ الصَّفَيْنِ - فَإِنْ كَانَ بِهِ رَمَقٌ عُسِّلَ وَ إِلَّا فَلَا.

۲. الخلاف، ج ۱، ص ۷۱۲.

۳. برای نمونه: ذکر الشیعة فی أحكام الشریعة، ج ۱، ص ۳۲۰؛ تحریر الأحکام الشرعیة علی مذهب الإمامیة (ط - الحدیثة)، ج ۱، ص ۱۱۷؛ المختصر النافع فی فقه الإمامیة، ج ۱، ص ۱۴؛ إصباح الشیعة بمصباح الشریعة، ص ۴۳؛ کشف الرموز فی شرح مختصر النافع، ج ۱، ص ۹۲؛ منهاج الصالحین (المحشى للحکیم)، ج ۱، ص ۱۰۹؛ منهاج الصالحین (للخوئی)، ج ۱، ص ۷۷.

عبارت شهید صدر (ره): «المراد بالشهید من توافر فيه أمران: أحدهما أن يستشهد لاشترائه في معركة<sup>۱</sup> سائغاً مشروعاً من أجل الإسلام. و الآخر أن لا يدركه المسلمون و به رمق من الحیاء فإذا أدرکوه و به رمق من الحیاء ثم مات و جب الغسل و کل من توافر فيه هذان الأمران فهو شهید سواء أدرکه المسلمون علی أرض المعركة أو خارجها؛ شهید کسی است که دو شرط را داشته باشد: یکی اینکه در حین شرکت در نبرد مشروع و مجاز برای اسلام به شهادت رسیده باشد. دیگر اینکه مسلمانان نتوانسته باشند او را درحالی که زنده بوده پیدا کنند. اگر او را درحالی که زنده بوده پیدا کنند و بمیرد، غسل واجب می شود. هر کس این دو شرط را داشته باشد، شهید است، چه مسلمانان او را در میدان جنگ پیدا کنند و چه خارج از آن»<sup>۲</sup>.

گویا به استناد این مبناست که آیت الله سیستانی اصلاً از عنصر «قبض روح در معرکه» در تعریف شهید یاد نکرده اند و می نویسند: «من قتل فی الجهاد مع الإمام علیه السلام أو نائبه الخاص أو فی الدفاع عن الإسلام و یشرط فیہ ان لا تكون فیہ بقیة حیاة حین یدرکه المسلمون، و إن أدرکوه و به رمق و جب تغسیله»<sup>۳</sup>.

۱. در این عبارت «معرکه» آمده، اما به معنای این است که میدان جهاد و رزم آراسته شده باشد، نه اینکه مراد این باشد که قبض روح در معرکه شرطیت و موضوعیت دارد.

۲. التفتیح فی شرح العروه (الطهاره)، ج ۸، ص ۱۷۹؛ الفتاوی الواضحه، ص ۲۶۲.

۳. المسائل المنتخبة (للسیستانی)، ص ۶۱-۶۲.

اما به این قول از سوی مرحوم صاحب جواهر<sup>۱</sup> و آقا رضا همدانی<sup>۲</sup> اشکال شده: آنچه موضوعیت دارد کشته شدن در معرکه است و اینکه در برخی روایات اخذ شده که مسلمین او را بدون رمق بیابند، دلیل بر محوری بودن آن نیست.<sup>۳</sup>

## ۲،۵. رمق نداشتن هنگام یافتن شخص

از دیگر عناصری که احکام خاص شهید لازم دانسته شده این است که وقتی فرد آسیب‌دیده یافت می‌شود «دارای رمق نباشد» و این شرط علاوه بر شرط کشته شدن در معرکه است و نباید با آن شرط خلط گردد و به این معناست که هنگامی که افراد کمک‌کننده به مجروح بر سر او می‌رسند و او دارای رمق باشد احکام خاص شهید را نخواهد داشت، هر چند شخص در معرکه جان دهد. نتیجه اینکه گاهی شخص در معرکه جان می‌دهد ولی این شرط را ندارد؛ چرا که قبل از جان دادن نیروهای کمکی بر سر بالین او رسیده و کار کمک‌رسانی به وی را آغاز کرده‌اند و گاهی ممکن است شخصی در خارج از معرکه مورد اصابت قرار گرفته و تا قبل از رسیدن نیروهای کمکی یا امدادی جان خود را از دست دهد که در این حالت چنین شخصی فاقد شرط چهارم است در حالی که شرط پنجم را داراست.

۱. جواهر الکلام، ج ۴، ص ۹۰.

۲. مصباح الفقیه، ج ۵، ص ۱۱۸.

۳. نظر این دو بزرگوار در مطالب پیش‌رو بیان خواهد شد.

در توضیح «رمق» باید بگوییم مراد از آن، گاه به معنای حیات و زنده بودن است و گاه به معنای تاب و توان است. از این رو فیومی ذیل کلمه رmq می‌نویسد: «(الرَّمَقُ) بَفَتْحَتَيْنِ بَقِيَةُ الرُّوحِ وَقَدْ يَطْلُقُ عَلَى الْقُوَّةِ وَيَأْكُلُ الْمُضْطَرُّ مِنَ الْمَيْتَةِ مَا يَسُدُّ بِهِ الرَّمَقَ أَي مَا يُمْسِكُ قُوَّتَهُ وَيَحْفَظُهَا وَعَيْشٌ؛ «رمق» به معنای باقیمانده روح است و گاهی بر قوت نیز اطلاق می‌شود [چنان‌که] مضطر از مردار مقداری می‌خورد که به وسیله آن رmq را نگه می‌دارد؛ یعنی چیزی که قوتش را حفظ و او و زندگی‌اش را نگه می‌دارد»<sup>۱</sup>.

فقها مراد از رmq در روایات را بقای روح و حیات دانسته‌اند.<sup>۲</sup> بر همین اساس در کلمات فقها نوعاً تعبیر موت در معرکه بیان شده که به خوبی حاکی است که خارج شدن روح باید در زمانه جنگ باشد<sup>۳</sup> و برخی به این معنا تصریح کرده‌اند.<sup>۴</sup>

در روایت آمده است که پیامبر اکرم (ص) در روز احد پرسیدند: «من ينظر ما فعل سعد بن الربيع؛ چه کسی از سعد بن ربیع خبر دارد؟» و شخصی پاسخ داد: «أنا أنظر لك يا رسول الله، فنظر فوجده جريحاً به رmq؛ ای رسول خدا، من برای شما خبر خواهم آورد. پس پیگیری کرد و او را یافت درحالی که مجروح بوده و هنوز رmq داشت»<sup>۵</sup>.

علامه از این عبارت، حیات فهمیده است.<sup>۶</sup>

۱. المصباح المنير، ج ۲، ص ۲۳۹.

۲. مستمسك العروة الوثقى، ج ۴، ص ۱۰۳.

۳. برای نمونه: شرائع الإسلام فی مسائل الحلال والحرام، ج ۱، ص ۲۹؛ ذکری الشیعة فی أحكام الشریعة، ج ۱، ص ۳۲۰؛ تحرير الأحكام الشرعية على مذهب الإمامية (ط - الحديثة)، ج ۱، ص ۱۱۷؛ المختصر النافع فی فقه الإمامية، ج ۱، ص ۱۴؛ إصباح الشیعة بمصباح الشریعة، ص ۴۳؛ مستمسك العروة الوثقى، ج ۴، ص ۱۰۰.

۴. كل شهيد يقتل بين يدي الإمام العادل أو من نصبه الإمام - في نفس المعركة - ولم يلحق و به رmq لا شيء من الحياة. المذهب (لابن البراج)، ج ۱، ص ۵۵.

۵. این روایت را علامه حلی در این کتاب، از طرق اهل سنت نقل کرده است. (المنتهی، ج ۱، ص ۴۳۳).

۶. منتهی المطلب فی تحقیق المذهب، ج ۷، ص ۱۸۶.

اما بین فقها در لزوم شرطیت آن دو دیدگاه وجود دارد:

دیدگاه اول: بسیاری از فقها صرفاً جان دادن در معرکه را کافی می‌دانند.<sup>۱</sup> بر این اساس، مجاهدی که در معرکه جان سپارد، شهید است خواه وقتی که مسلمانان او را می‌یابند فاقد رمق باشد یا رمق داشته و قبل از خارج کردن او از معرکه جان داده است. این دیدگاه بر این برداشت استوار است که تأکید بر رمق نداشتن در روایات به معنای موت در معرکه است و چون نوعاً افرادی که زنده یافت می‌شدند یا به خارج از میدان منتقل می‌شدند و یا هنگام یافتن وی معرکه جنگ تمام شده بود، در نتیجه فوت شخصی که دارای رمق بود در خارج از معرکه رخ می‌داده است و بر اساس این نکته، چنین تأکیدی در روایات مطرح شده است. در نتیجه رمق نداشتن ملاک نیست بلکه در معرکه جان دادن موضوعیت دارد. این فهم از روایات به خوبی از کلام مرحوم کیدری که از فقهای قدیمی است قابل برداشت است. او می‌نویسد: «اگر هنگام خارج کردن شهید دارای رمق بود باید غسل داده شود».<sup>۲</sup> در کلام شهید ثانی نیز قریب به این عبارت وجود دارد.<sup>۳</sup> حضرت امام (ره) نیز همین دیدگاه را قائل است: «اگر در محدوده تیررس دشمن (جبهه) در داخل آمبولانس یا در بیرون ماشین جان سپرده، غسل و کفن ساقط است؛ ولی اگر در خارج محدوده مزبور جان بسپارد، غسل و کفن دارد».<sup>۴</sup> بنابراین حضور نیروهای امدادی مانع صدق شهید فقهی نیست.

۱. برای نمونه: الخلاف، ج ۱، ص ۷۱۰؛ المذهب، ج ۱، ص ۵۴-۵۵؛ الشرائع، ج ۱، ص ۳۷.

۲. يغسل الشهيد إذا حمل من المعركة و به رمق ثم مات (إصباح الشيعة بمصباح الشريعة، ص ۴۳).

۳. مسالک الأفهام إلى تنقيح شرائع الإسلام، ج ۱، ص ۸۲.

۴. استفتاءات (امام خمینی)، ج ۱، ص ۵۰۵.

از برخی روایات چنین برداشت می‌شود که رمق نداشتن وی پیش از یافتن او توسط مسلمین موضوعیت ندارد:

ما روی عن النبی صلی اللہ علیہ و آلہ أنه قال یوم احد: من ینظر ما فعل سعد بن ربیع؟ فقال رجل: أنا أنظر لك یا رسول اللہ، فنظر فوجده جریحا به رمق فقال له: إن رسول اللہ صلی اللہ علیہ و آلہ أمرنی أن أنظر فی الأحياء أنت أم فی الأموات، فقال: أنا فی الأموات فأبلغ رسول اللہ عنی السلام، قال: ثمَّ لم أبرح أن مات و لم یأمر النبی صلی اللہ علیہ و آلہ بتغسیل أحد منهم.<sup>۱</sup>

از پیامبر نقل شده که در روز (جنگ) احد فرمود: چه کسی از آنچه بر سعد بن ربیع گذشت، خبر دارد؟ شخصی جواب داد: ای رسول خدا، من برای شما پیگیری خواهم کرد. پس پیگیری کرد و او را یافت درحالی که مجروح بوده و هنوز زنده بود، پس به او گفت: رسول اللہ فرمان داد مرا که از حیات تو برای ایشان خبر ببرم. پس گفت: من از کشته شدگان هستم، سلام مرا به رسول اللہ برسان. او را ترک نکردم تا اینکه جان داد و این حالی است که پیامبر فرمان به غسل دادن هیچ یک از شهدا ندادند.

همان‌طور که صریح روایت بازگو می‌کند، سعد بن ربیع دارای حیات یافت شده ولی غسل داده نشده است. البته این روایت از قوّت سندی برخوردار نیست.

«حکایة شهادة عمّار (ره) حیث استسقی فسقی باللبن فکان آخر زاده من الدنیا مع أنّ امیر المؤمنین علیہ السلام لم یغسله؛ در ماجرای شهادت عمار، هنگامی که طلب آب نمود و به او شیر دادند درحالی که این آخرین توشه او از دنیا بود. باین حال امیرالمؤمنین (علیه السلام) او را غسل نداد.»<sup>۲</sup>

۱. المنتهی، ج ۱، ص ۴۳۳.

۲. کتاب الطهارة (للکلبایگانی)، ص ۲۰۴.

ظاهر این حکایت نشان می‌دهد که عمار قبل از شهادت توسط اصحاب امیرالمؤمنین (علیه السلام) مورد رسیدگی قرار گرفته، ولی باین حال غسل داده نشده است. مرحوم آقای خویی مستند حکایت شهادت عمار را موثق نمی‌داند؛ بنابراین از این منظر نمی‌توان به آن استناد کرد.<sup>۱</sup> علاوه بر این مشخص نیست که درخواست شیر در لحظه شهادت بوده؛ چراکه ممکن است این واقعه پیش از حرکت به سوی میدان جنگ رخ داده باشد.

دیدگاه دوم: برخی از فقها<sup>۲</sup> اصرار دارند که فقدان رمق پیش از یافتن شهید توسط مسلمین موضوعیت داشته و عنصر کلیدی در صدق شهید با احکام خاص است؛ از این رو اگر رزمنده مجروح را وقتی که جان دارد بیابند و سپس جان سپارد، حکم خاص شهدا را ندارد و باید او را غسل و کفن کرد، هرچند که همچنان آتش جنگ برپا باشد و در معرکه جان سپرده باشد.<sup>۳</sup> این دیدگاه به ظاهر روایات متعددی که در مسئله وجود دارد و به برخی از آنها اشاره شد استناد دارد. در این روایات ملاک حکم خاص شهید این است که وقتی او را می‌یابند فاقد حیات باشد.

۱. موسوعة الإمام الخوئی، ج ۸، ص ۳۸۲.

۲. المهذب، ج ۱، ص ۵۵؛ الذکری، ص ۴۱.

۳. ریاض المسائل (ط - الحدیث)، ج ۱، ص ۴۵۸-۴۵۹؛ و ظاهرها (النصوص المستفیضة) الاكتفاء فی وجوب التغسیل یادراک المسلمین له حیا و إن لم ینقض الحرب و لا نقل من المعركة بل مات فیها، وفاقا للمهذب و الذکری و ظاهر شیخنا المفید فی المقنعة.

۱. در صحیححه ابان از امام صادق (ع) وارد شده بود: «الَّذِي يُقْتَلُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ يَدْفَنُ فِي ثِيَابِهِ وَلَا يَغْسَلُ إِلَّا أَنْ يَدْرَكَهُ الْمُسْلِمُونَ وَ بِهِ رَمَقٌ ثُمَّ يَمُوتُ بَعْدَ فَإِنَّهُ يَغْسَلُ وَيَكْفَنُ وَ يَحْتَضُ إِنْ رَسُولَ اللَّهِ كَفَنَ حَمْزَةَ فِي ثِيَابِهِ وَ لَمْ يَغْسَلْهُ وَ لَكِنَّهُ صَلَّى عَلَيْهِ؛ کسی که در راه خدا کشته می شود در لباس خودش دفن می شود و غسل داده نمی شود، مگر اینکه زمانی که مسلمانان او را یافتند جان در بدن داشته و بعد بمیرد که در این صورت باید غسل و کفن و حنوط داده شود. همانا نبی گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله) حضرت حمزه را در لباس خودش کفن کرد و او را غسل نداد، اما بر او نماز گزارد»<sup>۱</sup>.

۲. در روایت دیگری از امام صادی (ع) نقل شده است: «الشَّهِيدُ إِذَا كَانَ بِهِ رَمَقٌ غُسِّلَ وَ كَفَّنَ وَ حُنْطَ وَ صَلَّى عَلَيْهِ وَ إِنْ لَمْ يَكُنْ بِهِ رَمَقٌ دُفِنَ فِي أَثْوَابِهِ؛ شهید هرگاه نشانه‌ای از زندگی در او باشد، غسل داده می شود، کفن می شود، حنوط می گردد و بر او نماز خوانده می شود و اگر رمق نداشت در همان لباس هایش دفن می شود»<sup>۲</sup>.

۳. در روایت دیگری از امام کاظم (ع) نقل شده است: «اغْسِلْ كُلَّ الْمَوْتَى؛ الغَرِيقَ وَ أَكِيلَ السَّبْعِ وَ كُلَّ شَيْءٍ إِلَّا مَا قُتِلَ مَا بَيْنَ الصَّفَيْنِ فَإِنْ كَانَ بِهِ رَمَقٌ غُسِّلَ وَ إِلَّا فَلَا؛ هر مرده‌ای که غرق شده یا توسط حیوانات وحشی خورده شده یا هر چیز دیگری (مرده باشد) غسل بده، جز کسی که در بین دو صف کشته شده باشد که اگر دارای رمق باشد غسل داده می شود و گرنه غسل داده نمی شود»<sup>۳</sup>.

۱. الکافی (ط - الإسلامية)، ج ۳، ص ۲۱۲.

۲. تهذیب الأحکام، ج ۱، ص ۳۳۲.

۳. همان، ص ۳۳۱.

۴. در روایت دیگری از امام رضا (ع) نقل شده است: «قَتِيلَ الْمَعْرَكَةِ فِي طَاعَةِ اللَّهِ... لَمْ يَغْسَلْ إِلَّا أَنْ يَكُونَ بِهِ رَمَقٌ ثُمَّ يَمُوتُ بَعْدَ ذَلِكَ فَإِذَا مَاتَ بَعْدَ ذَلِكَ غُسْلٌ كَمَا يَغْسَلُ الْأَمِيَّةُ وَ كَفَنٌ كَمَا يَكْفَنُ الْأَمِيَّةُ وَ لَا يَتْرَكَ عَلَيْهِ شَيْءٌ مِنْ ثِيَابِهِ؛ کشته در جنگ و در حال اطاعت از خدا... غسل داده نمی‌شود، مگر اینکه هنوز رمقی برایش باقی مانده باشد و پس از آن بمیرد، که در این صورت مانند میت‌های دیگر غسل داده می‌شود و کفن می‌شود و چیزی از لباسش بر او باقی نمی‌ماند».<sup>۱</sup> در این روایات به شرط «فقدان رمق در وقت یافتن» تصریح شده است.

اشکال بر این نظریه:

اشکال نخست (صاحب جواهر): فرض «إِلَّا أَنْ يَدْرِكَهُ الْمُسْلِمُونَ وَ بِهِ رَمَقٌ» در جایی است که آتش جنگ فرونشسته باشد؛ زیرا معمولاً پس از خاتمه جنگ به سراغ مجروحین و شهدا می‌رفته‌اند.<sup>۲</sup>

آقا رضا همدانی نیز نقدی به استدلال فوق دارد و می‌توان نقد وی را مکمل کلام صاحب جواهر دانست. او می‌نویسد: «از آنجا که اگر رمق داشته باشد او را از معرکه خارج می‌کنند، پس مرگ بیرون معرکه رخ می‌دهد؛ اما در صورتی که رمق نداشته باشد، در معرکه جان داده است. از این رو در واقع قبض روح در معرکه موضوعیت دارد».<sup>۳</sup>

۱. مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ج ۲، ص ۱۷۹.

۲. جواهر الکلام، ج ۴، ص ۹۰.

۳. مصباح الفقیه، ج ۵، ص ۱۱۸.

مرحوم بحرانی چنین برداشتی را از روایات قبول نداشته و روایات را بر موضوعیت داشتن رمق حمل کرده است.<sup>۱</sup> همان گونه که مرحوم آقای خوئی نیز موضوعیت داشتن آن را تأیید کرده است.<sup>۲</sup>

مرحوم صاحب ریاض هر دو شرط کشته شدن در معرکه و رمق نداشتن را مطرح کرده است.<sup>۳</sup> به نظر می‌رسد با عنایت به اجمال مسئله و عدم تشخیص شرطیت هر یک باید قائل به احتیاط شد و هر دو شرط را برای صدق شهید فقهی در نظر گرفت.

۱. الحدائق الناضرة فی أحكام العترة الطاهرة، ج ۳، ص ۴۱۶.

۲. أن المدار فی سقوط التمسيل وعدمه إنما هو علی إدراك المسلمین له و فیہ رمق الحیاة أو إدراکهم له و لیس فیہ رمق، و لا اعتداد بکونه قتیلًا فی المعركة و كانت الحرب قائمة أو منقضیة، هذا. (موسوعة الإمام الخوئی، ج ۸، ص ۳۸۱).

۳. إذا مات فی المعركة و لم یدرکه المسلمون و به رمق (ریاض المسائل (ط - الحدیثة)، ج ۱، ص ۴۵۸).

## جمع‌بندی

پژوهش حاضر در ضمن تبیین ماهیت و شرایط شهید موضوع احکام خاصی در فقه است، نتایج زیر را به دنبال داشت:

۱. تحقق موضوع شهید فقهی که شهید در میدان جنگ است، مشروط به شرایط و ضوابط خاصی به ترتیب زیر است:

**الف. جنگ مشروع:** بنابراین جنگی که مشروع نیست موضوع شهید فقهی نیز نیست. مشروع بودن جنگ برای صدق شهید کافی است و نیازمند حضور یا اذن امام یا نائب امام نیست.

**ب. کشته شدن در راه خدا:** طبق این شرط کسانی که اعتقاد به دفاع ندارند و برای رضایت خداوند متعال و اطاعت از او به میدان نیامده‌اند شهید نخواهند بود.

**ج. رزمنده و کمک‌کننده:** طبق این شرط رزمندگان و کسانی که برای کمک به آنها در میدان حضور دارند موضوع شهید فقهی‌اند. بنابراین کشته‌شدگانی که در میدان جنگ کشته می‌شوند و حضور آنان به حسب اتفاق بوده است، شهید نخواهند بود.

**د. کشته شدن در معرکه جنگ:** بر این اساس تنها کسانی که در میدان نبرد کشته شده‌اند شهید فقهی به شمار می‌آیند و اگر موت آنها در خارج از زمان و محل جنگ باشد باید غسل داده شوند.

**ه. بدون رمق بودن هنگام پیدا شدن:** بر اساس این شرط کسانی که قبل از رسیدن کمک جان داده باشند موضوع احکام خاص شهید خواهند بود و اشخاصی که قبل از جان دادن توسط نیروهای امدادی و نیروهای دیگر مورد رسیدگی قرار می‌گیرند باید غسل داده شوند.

۲. معرکه به معنای خود پیکار و نبرد و جنگ است و شامل محدوده‌ای است که در آن نیروها با دشمن در حال پیکارند و به اصطلاح، نیروها در آن مشغول آفند و پدافندند. در نتیجه:

الف. معیار اصلی صدق معرکه، نبرد و مواجهه با دشمن است. در نتیجه نیروهایی که با دشمن در میدان جنگ مواجهند (اعم از رزمنده و نیروهای امدادی و کمک کننده) و مورد اصابت دشمن قرار گرفته و کشته می‌شوند، بدون در نظر گرفتن محل خاصی مانند مرزها، مشمول عنوان معرکه هستند.

ب. محل معرکه، محل استقرار نیروها اعم از پادگان‌ها، کشتی‌ها و هواپیماها و هر مکانی است که برای دفاع در نظر گرفته شده و در مقابل آفند دشمن قرار دارد. بر این اساس پادگانی که مشغول پیکار با دشمن نیست و دفعتاً موشکی به آن اصابت کرده است، مشمول عنوان معرکه نیست.

ج. بیمارستان‌ها و مناطق پشتیبانی که خارج از میدان جنگ قرار گرفته‌اند، مشمول عنوان معرکه نیستند. ولی نیروهای امدادی و پشتیبانی که در میدان جنگ حضور یافته و مورد اصابت قرار گرفته و کشته‌اند، مصداق عنوان شهید فقهی می‌باشند.

د. فرماندهان و نیروهایی که خارج از میدان مانند منزل یا پناهگاه‌ها کشته می‌شوند مشمول عنوان شهید در معرکه نیستند.

ه. استراحت در میدان جنگ مانع صدق شهید در معرکه نیست.

ی. شهرها و مناطق غیرنظامی مشمول محل معرکه نیستند و بر همین اساس کشته‌شدگان موشک‌باران‌ها مصداق شهید نخواهند بود.

## توصیه‌های سیاستی

۱. **بازنگری در تعریف عملیاتی «معرکه جنگ»:** با توجه به یافته‌های پژوهش و تحولات در جنگ‌های نوین (موشکی، هوایی، سایبری)، پیشنهاد می‌شود در قوانین و دستورالعمل‌های مرتبط با امور شهدا، تعریف «معرکه» از حالت سنتی (خط رودرروی زمینی) فراتر رفته و به صورت «منطقه درگیری و مواجهه مستقیم نظامی» تعریف شود. این تعریف، مناطق تحت آتش دشمن، پایگاه‌های درگیر در پدافند و آفند، و عرصه‌های هوایی و دریایی نبرد را نیز دربر می‌گیرد.

۲. **تدوین دستورالعمل شمول احکام خاص شهدا:** جهت ایجاد وحدت رویه و رفع ابهام برای مجریان در مناطق عملیاتی و پزشکی قانونی، لازم است دستورالعمل روشنی با همکاری فقها و کارشناسان نظامی تدوین گردد. این دستورالعمل باید مصادیق روشنی از «رزمنده یا کمک‌کننده مستقیم در معرکه»، «حکم مناطق امن پشتیبانی و بیمارستان‌های دور از خط درگیری» و «شرایط انتقال مجروح و زمان فوت» را ارائه دهد.

۳. **تفکیک بین «شهید فقهی (معرکه)» و «شهید شرعی» در قوانین:** به منظور جلوگیری از هرگونه برداشت نادرست در جامعه، پیشنهاد می‌شود در قوانین جامع ایثارگران و درگفتمان رسمی، میان «شهید فقهی» (مشمول احکام خاص تغسیل) و «شهید شرعی» (با مفهوم عام و دارای فضیلت شهید) تمایز قائل شده و جایگاه بلند هر دو گروه به درستی تبیین شود. این امر از ایجاد شبهه درباره احترام به همه شهدا پیشگیری می‌کند.

## منابع

قرآن کریم

نهج البلاغه

۱. ابن حیون، نعمان بن محمد مغربی، دعائم الإسلام و ذکر الحلال و الحرام و القضايا و الأحكام، مؤسسة آل البيت عليهم السلام، قم، ۱۳۸۵ق.
۲. اردبیلی، احمد بن محمد، مجمع الفائدة و البرهان فی شرح ارشاد الأذهان، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۰۳ق.
۳. اشتهااردی، علی پناه، مدارک العروة، دار الأسوة للطباعة و النشر، تهران، ۱۴۱۷ق.
۴. اصفهانی، فاضل هندی، محمد بن حسن، كشف اللثام و الإبهام عن قواعد الأحكام، ۱۱ج، دفتر انتشارات اسلامی، قم، ۱۴۱۶ق.
۵. انصاری، مرتضی بن محمد امین، کتاب الطهارة (للشیخ الأنصاری)، کنگره جهانی بزرگداشت شیخ اعظم انصاری، قم، ۱۴۱۵ق.
۶. بحرانی، آل عصفور، یوسف بن احمد بن ابراهیم، الحدائق الناضرة فی أحكام العترة الطاهرة، ۲۵ج، دفتر انتشارات اسلامی، قم، ۱۴۰۵ق.
۷. حائری، سید علی بن محمد طباطبایی، ریاض المسائل (ط - الحدیثة)، ۱۶ج، مؤسسه آل البيت عليهم السلام، قم، ۱۴۱۸ق.
۸. حکیم، سید محسن طباطبایی، مستمسک العروة الوثقی، ۱۴ج، مؤسسه دار التفسیر، قم، ۱۴۱۶ق.

۹. حکیم، سید محسن طباطبایی، منهاج الصالحین (المحشی للحکیم)، ۲ ج، دار التعارف للمطبوعات، بیروت، ۱۴۱۰ ق.
۱۰. حکیم، سید محسن طباطبایی، مستمسک العروة الوثقی، مؤسسه دار التفسیر، قم، ۱۴۱۶ ق.
۱۱. حلّی، علامه، حسن بن یوسف بن مطهر اسدی، تحریر الأحکام الشرعیة علی مذهب الإمامیة (ط - الحدیثة)، ۶ ج، مؤسسه امام صادق (علیه السلام)، قم، ۱۴۲۰ ق.
۱۲. حلّی، علامه، حسن بن یوسف بن مطهر اسدی، منتهی المطلب فی تحقیق المذهب، ۱۵ ج، مجمع البحوث الإسلامیة، مشهد، ۱۴۱۲ ق.
۱۳. حلّی، محقق، نجم الدین، جعفر بن حسن، المختصر النافع فی فقه الإمامیة، ۲ ج، مؤسسه المطبوعات الدینیة، قم، چاپ ششم، ۱۴۱۸ ق.
۱۴. \_\_\_\_\_، شرائع الإسلام فی مسائل الحلال و الحرام، ۴ ج، مؤسسه اسماعیلیان، قم، چاپ دوم، ۱۴۰۸ ق.
۱۵. خمینی، سید روح الله موسوی، استفتاءات (امام خمینی)، ۳ ج، دفتر انتشارات اسلامی، قم، چاپ پنجم، ۱۴۲۲ ق.
۱۶. خمینی، سید روح الله، تحریر الوسیله، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام، ۱۳۷۹.
۱۷. خمینی، سید روح الله، توضیح المسائل (محشی)، دفتر انتشارات اسلامی، قم، چاپ هشتم، ۱۴۲۴ ق.
۱۸. خویی، سید ابوالقاسم، موسوعه الامام الخوئی، مؤسسه إحياء آثار الامام الخوئی، ۱۴۱۸ ق.

۱۹. سبزواری، سید عبد الأعلى، مهذب الأحكام (للسبزواری)، ۳۰ ج، مؤسسه المنار - دفتر حضرت آیه الله، قم، چاپ چهارم، ۱۴۱۳ق.
۲۰. سیستانی، سید علی حسینی، منهاج الصالحین (للسیستانی)، ۳ ج، دفتر حضرت آیه الله سیستانی، قم، چاپ پنجم، ۱۴۱۷ق.
۲۱. شهید ثانی، عاملی، زین الدین بن علی، مسالك الافهام إلى تنقيح شرائع الاسلام، مؤسسه المعارف الاسلامیه، قم، ۱۴۱۳ق.
۲۲. شهید اول، محمد بن مکی، ذکرى الشيعة فى أحكام الشريعة، مؤسسه آل البيت (عليهم السلام)، قم، ۱۴۱۹ق.
۲۳. شیرازی، ناصر مکارم، رساله توضیح المسائل (مکارم)، در یک جلد، انتشارات مدرسه امام علی بن ابی طالب (علیه السلام)، قم، چاپ پنجاه و دوم، ۱۴۲۹ق.
۲۴. طرابلسی، ابن براج، قاضی، عبد العزیز، المهذب (لابن البراج)، ۲ ج، دفتر انتشارات اسلامی، قم، ۱۴۰۶ق.
۲۵. طوسی، ابو جعفر، محمد بن حسن، النهاية فى مجرد الفقه و الفتاوى، در یک جلد، دار الكتاب العربی، بیروت، چاپ دوم، ۱۴۰۰ق.
۲۶. \_\_\_\_\_، تهذیب الأحكام، ۱۰ ج، دار الکتب الإسلامیه، تهران، چاپ چهارم، ۱۴۰۷ق.
۲۷. \_\_\_\_\_، مصباح المتهدج، ۲ ج، مؤسسه فقه الشیعه، بیروت، ۱۴۱۱ق.

۲۸. \_\_\_\_\_، الخلاف، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۰۷ق.
۲۹. \_\_\_\_\_، المبسوط فی فقه الإمامیه، تهران، المكتبة المرتضویة لإحياء الآثار الجعفریة، چاپ سوم، ۱۳۸۷ق.
۳۰. عاملی، محمدبن علی موسوی، مدارک الأحکام فی شرح عبادات شرائع الإسلام، ج ۸، مؤسسه آل البيت عليهم السلام، بیروت، ۱۴۱۱ق.
۳۱. علامه، حلّی، حسن بن یوسف بن مطهر اسدی، تذکره الفقهاء، مؤسسه آل البيت عليهم السلام، قم، ۱۴۱۴ق.
۳۲. قانون جامع خدمات رسانی به ایثارگران.
۳۳. کلینی، ابو جعفر، محمدبن یعقوب، الکافی، دار الکتب الإسلامیة، تهران، چاپ چهارم، ۱۴۰۷ق.
۳۴. کیدری، قطب الدین، محمدبن حسین، إصباح الشیعة بمصباح الشریعة، در یک جلد، مؤسسه امام صادق (علیه السلام)، قم، ۱۴۱۶ق.
۳۵. گلپایگانی، سید محمد رضا موسوی، کتاب الطهارة (للگلپایگانی)، در یک جلد، دار القرآن الکریم، قم، ۱۴۰۷ق.
۳۶. محقق ثانی، عاملی، علی بن حسین، جامع المقاصد فی شرح القواعد، مؤسسه آل البيت عليهم السلام، ۱۴۱۴ق.
۳۷. محقق حلّی، نجم الدین، جعفر بن حسن، المعبر فی شرح المختصر، مؤسسه سیدالشهداء (ع)، قم، ۱۴۰۷ق.

۳۸. نائینی، میرزا محمدحسین غروی، منیة الطالب فی حاشیة المکاسب، المکتبۃ المحمدیة، تهران، ۱۳۷۳ق.
۳۹. نجفی، محمدحسن، جواهرالکلام فی شرح شرائع الاسلام، دار احیاء التراث العربی، لبنان، چاپ هفتم، ۱۴۰۴ق.
۴۰. نوری، محدث، میرزا حسین، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ۱۸ج، مؤسسه آل البيت عليهم السلام، بیروت، ۱۴۰۸ق.
۴۱. همدانی، آقارضا بن محمدهادی، مصباح الفقیه، مؤسسه الجعفریة لإحیاء التراث، ۱۴۱۶ق.
۴۲. یزدی، سید محمد کاظم طباطبایی، العروة الوثقی (المحشی)، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۹ق.



گزارش راهبردی

